

A Comparative Study of Ebionism and Koran; A Response to The Question of Adaptation¹

Murtiza Sajjini*

Rahman Ushriyyih** Muhammad Ali Rizaee Isfihani***

(Received: 2019-03-03; Accepted: 2019-09-22)

Abstract

In his book *Letters for The Prophet Muhammad; A Research into the Origins of Koran* Amin Qazaei views Islamic rules as influenced by Judaism, contending that the present text of Koran consists of letters and annexes sent from a Jewish-Christian sect Ebionites to the Prophet of Islam. This study examines Amin Qazaei's claims using a critical-analytic method and with a historical approach. Through the examination of the history of Ebionites and a comparative study of their religious teachings and Islam it is ascertained that there was no connection between the sect and the Prophet of Islam. Having a shallow knowledge about customs and rites of Ebionites and presenting rarely cited documents, Amin Qazaei has raised such unconfirmed hypotheses that one could say that his viewpoint on Koran lacks any scientific support.

Keywords *Ebionite, Koran, Letter, Question, Amin Qazaei.*

1. The article is derived from "A Critique of Historical Questions in *Letters for The Prophet Muhammad; A Research into the Origins of Koran*" a PhD thesis written in 2020 by Rahman Ushriyyi, Faculty of Koranic Sciences, University of Koranic Sciences and Knowledge, Qom, Iran

* PhD Student in Comparative Interpretation Studies, University of Koranic Sciences, Qom (Corresponding Author), mortazasajjini@yahoo.com.

** Associate Professor, University of Koranic Sciences, Qom, oshryeh@quran.ac.ir.

*** Professor, Department of Koranic Sciences and Hadith, Al-Mustafa International University, Qom, rezaee@quransc.com.

بررسی تطبیقی آیین ایبونی با قرآن: پاسخ‌گویی به شبهه اقتباس^۱

مرتضی سازجینی *

رحمان عشریه ** محمدعلی رضایی اصفهانی ***

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۳۱]

چکیده

امین قضایی در کتاب *نامه‌هایی برای محمد (ص) پیامبر؛ پژوهشی بر ریشه‌های قرآن* احکام اسلامی را متأثر از مذهب یهود می‌داند و معتقد است متن کنونی قرآن، نامه‌ها و ملحقاتی بوده که از طرف فرقه‌های یهودی مسیحی به نام «ایبونی‌ها» برای پیامبر اسلام (ص) ارسال می‌شده است. این جستار مدعیات امین قضایی را به روش تحلیلی انتقادی و با رویکرد تاریخی بررسی می‌کند. با بررسی تاریخ فرقه ایبونی و مطالعه تطبیقی آموزه‌های آیین آنها با اسلام و همچنین امکان ارتباطشان با پیامبر (ص) در حجاز، این مطلب مشخص شده است که هیچ ارتباطی بین فرقه مذکور با پیامبر اسلام (ص) وجود نداشته و قضایی با آگاهی سطحی از آداب و مناسک فرقه ایبونی و پیش‌نهادن مستندات شاذ، فرضیه‌هایی را مطرح کرده است که تاریخ درباره این فرقه چنین مستنداتی را تأیید نمی‌کند، به طوری که می‌توان گفت دیدگاه وی درباره قرآن هیچ‌گونه پشتوانه علمی ندارد.

کلیدواژه‌ها: ایبونی، قرآن، نامه، شبهه، امین قضایی.

۱. مقاله برگرفته از: مرتضی سازجینی، نقد شبهات تاریخی در کتاب *نامه‌هایی برای محمد پیامبر (ص) پژوهشی بر ریشه‌های*

قرآن، رساله دکتری، رحمان عشریه، دانشکده علوم قرآنی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران، ۱۳۹۹، است.

* دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران (نویسنده مسئول) mortazasazjini@yahoo.com

** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران oshryeh@quran.ac.ir

*** استاد گروه علوم قرآن و حدیث، جامعة المصطفی العالمیة، قم، ایران rezaee@quransc.com

مقدمه

پیش کشیدن شبهات گوناگون درباره قرآن و مصدر آن از زمان نزول آیات کلام‌الله مجید شروع شده است و مخالفان دین اسلام با مطرح کردن شبهاتی نظیر سحر و بشری بودن، نبوغ، رؤیابنداری و ... سعی در نفی و حیانت آیات قرآن کریم داشته‌اند. امروزه تولید این نوع شبهات به دست اسلام‌پژوهان سکولار^۱ و خاورشناسان گسترش یافته است. پژوهش درباره مصدر قرآن یکی از موضوعات جذابی است که خاورشناسان و اسلام‌پژوهان سکولار بسیار به آن اهتمام داشته‌اند. خاورشناسان با پیش کشیدن نظریه‌های مختلف به دنبال واکاوی مصدر نزول قرآن کریم هستند، اما در این بین شبهه جدیدی در کتابی با عنوان *نامه‌هایی برای محمد پیامبر؛ پژوهشی بر ریشه‌های قرآن* اثر امین قضایی مطرح شده است. قضایی در این کتاب با کنار نهادن و حیانت قرآن دیدگاه جدیدی درباره مصدر قرآن مطرح می‌کند: ۱. قرآن کریم حاصل نامه‌هایی پراکنده و از هم گسیخته است که این کتاب را تشکیل می‌دهد؛ ۲. این نامه‌ها و ملحقات آن را فرقه ایبونی برای پیامبر ارسال می‌کردند (قضایی، ۱۳۹۴: ۱۴).

وی در کتاب خود با ادعای تفسیری سکولار از قرآن و به دور از تعصبات مذهبی به این مطلب اشاره می‌کند که مسلمانان در بررسی متن قرآن راه درستی در پیش نگرفته‌اند و در رهیابی به مصدر قرآن دچار خطا شده‌اند (همان: ۸). قضایی با جداسازی مکتب فکری خود از خاورشناسانی همچون تئودور نولدکه (Theodor Noldeke)، که بعضاً در تحقیقات خود روایات و منابع اسلامی را ملاک قرار داده‌اند، می‌کوشد خود را در زمره پژوهشگرانی قرار دهد که دیدی انتقادی به روایات و منابع اسلامی دارند (همان: ۹)؛ و بر این مطلب تأکید می‌کند که زمانی می‌توان به منبع و مصدر قرآن راه یافت که بتوان با مستندات تاریخی ریشه‌های قرآن را شناسایی کرد. وی در جهت نمایاندن تأثیرپذیری قرآن از کتب رسمی (تورات و انجیل) و دیگر کتب مربوط به فرقه‌های الحادی مسیحی و کتب غیرکانونی یهودیت ادعا می‌کند که شریعت اسلام از یهودیت تأثیر پذیرفته است و متن قرآن می‌تواند هم‌زمان متنی سرپانی باشد و در عین حال از محیط حجاز بیرون آمده باشد (همان: ۱۳). وی به طور ضمنی ارتباط پیامبر اسلام (ص) با عالم ملکوت را نفی می‌کند.

شبهه حاضر درباره مصدر قرآن است و این موضوع از مهم‌ترین مباحث دین مبین اسلام است، چنان‌که مسئله و حیانی بودن قرآن به عنوان نخستین مبنای تفسیری قلمداد شده است (مؤدب، ۱۳۹۳: ۴۵) و هر گونه اشتباه و انحراف در این موضوع موجب فهم و تفسیر نادرست از قرآن می‌شود. لذا ضروری است در این عرصه با رویکردی تحقیقی و دفاع معقول از آیات قرآن و با حفظ مبانی و قواعد علمی و رویکردی روشمند به این دیدگاه پاسخ دهیم. با توجه به اهمیت این موضوع و جدید بودن شبهه مطرح شده در این کتاب و همچنین انتشار این کتاب به صورت مجازی و چاپی و اشاعه آن در سطح عموم و استقبال از آن در فضای مجازی، ضرورت پاسخ‌گویی و نقد آن بیش از پیش احساس می‌شود. از این جهت در جستار پیش رو کوشیده‌ایم با استفاده از مستندات تاریخی به اشکالات وارد شده پاسخ دهیم؛ خصوصاً که این کتاب و دیدگاه مطرح شده در آن تاکنون بررسی و نقد نشده است. البته بحث اصلی این مقاله راجع به مستندات تاریخی امین قضایی درباره قرآن است.

۱. سیر تطور شبهه

از نظر امین قضایی، در تأثیرپذیری احکام شریعت اسلام از مذهب یهود تردیدی وجود ندارد؛ اما پرسش این است که این تأثیرپذیری به چه شکلی رخ داده است؟ قضایی اذعان دارد که این دیدگاه جدید نیست و قبل از وی ونزبرو (John E. Wansbrough) ظهور اسلام را نه ناشی از صرفاً التقاط فرهنگی بلکه تلاش فرقه‌ای مسیحی‌یهودی برای نفوذ در اعراب می‌داند. قضایی با اینکه تحقیقات خود را در روش و استدلال مستقل از ونزبرو می‌داند ولی نتیجه‌گیری او را تأیید می‌کند (قضایی، ۱۳۹۴: ۱۳). وی در تبیین دیدگاهش به تحقیقات کریستف لوکزبرگ (Christophe Luxenberg) استناد می‌جوید. به زعم لوکزبرگ، نزدیک به یک‌چهارم آیات قرآن ابهام دارد که باید بر اساس زبان آرامی سریانی رمزگشایی شود (همتی و شاکر، ۱۳۹۵: ۲۴-۲۵).

تمام نوآوری امین قضایی در این کتاب این است که گرچه بسیاری از پژوهشگران غربی سکولار و منتقدان اسلام پیش‌تر به تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ یهودی-مسیحی

بررسی تطبیقی آیین ایونی با قرآن: پاسخ‌گویی به شبهه اقتباس / ۱۱

اشاره کرده‌اند ولی در توضیح اینکه چگونه قرآن هم‌زمان می‌تواند متنی سریانی باشد و در عین حال از محیط حجاز بیرون آمده باشد، ناتوان‌اند. قضایی در توضیح این اشکال می‌نویسد:

قرآنی که امروزه موجود است همان قرآنی نیست که متن به آن اشاره دارد! این کتاب در واقع مجموعه نامه‌هایی است که از سوی فرقه‌ای از مسیحیان یهودی (ایونی‌ها) برای محمد ارسال می‌شده و به همراه این نامه‌ها بخش‌های مختلفی از کتب مذهبی ترجمه می‌شده تا محمد از روی آنها ذکر یا موعظه کند و این «ذکر» از روی کتاب همان چیزی است که نویسندگان نامه‌ها «قرآن» می‌خواند. بنابراین، وقتی در متن از قرآن، کتاب، و غیره صحبت می‌شود منظور همین متن نامه‌ها نیست، بلکه ملحقاتی است که یک فرقه مذهبی به همراه این نامه برای مسیونر مذهبی خودشان ارسال کرده‌اند. بخش‌هایی از این موعظت، تأویل و جمع‌بندی آنها در داخل متن وجود دارد ولی کلیت متن سوره‌هایی که قرار بوده خط به خط موعظه شود نیست (قضایی، ۱۳۹۴: ۱۴-۱۵).

قضایی مصدر اصلی قرآن را آیین ایونی‌ها می‌داند. این فرضیه بر پیش‌فرض‌های مهمی متکی است؛ نخست اینکه، امین قضایی شباهت‌های قریب آیین فرقه ایونی با احکام اسلام را برمی‌شمرد. او آیین ایونی را متقدم بر اسلام می‌داند و در جهت القای این مطلب است که اسلام معارف جدیدی را بر مردم عرضه نکرده و صرفاً تکرار اقوال گذشتگان است. او با بیان نکاتی درباره مناسک و آموزه‌های فرقه ایونی می‌کوشد با ذکر شباهت‌هایی که میان اسلام و آیین ایونی وجود دارد اسلام را وامدار شرایع گذشته نشان دهد. قضایی برای آنکه بتواند فرضیه‌اش را محکم و متقن نشان دهد به سراغ نقلی تاریخی می‌رود و می‌گوید ایونی‌ها تثلیث را رد می‌کردند و عیسی را نه پسر خدا، بلکه پیامبر و بنده خدا می‌دانستند (همان: ۱۱۴). از این جهت پیامبر (ص)، در نامه‌ای که همین مطلب به آن اشاره کرده است، در قرآن، بارها به وضوح اعلام می‌کند که عیسی پسر خدا نیست بلکه بنده پارسا و پیامبر خدا بوده است. در مکتب ایونی‌ها قوانین شریعت یهود پذیرفته شده و معتقدند همچنان عهد قدیم خدا پابرجا است و عهد جدید آن را باطل

نکرده است. عیسی نه باطل‌کننده این عهد و قوانین قدیمی، بلکه مفسر و شارح آن بوده است. قضایی در تکمیل این سخن خود به آیه ۵ سوره انعام اشاره می‌کند که قرآن نیز تصریح می‌کند که عیسی تورات و قوانین آن را تصدیق می‌کرد (همان: ۱۱۷).

قضایی در ادامه بحث خود به این مطلب اشاره می‌کند که آموزه‌های ایونی تأکید فراوانی بر کمک به فقرا و یتیمان دارد. آنها عیسی را کسی می‌دانستند که به‌وضوح اعلام کرده است که با ثروت مادی امکان رستگاری وجود ندارد. تأکید بر کمک به فقرا و یتیمان، به‌خصوص در آیات مکی، بارها در قرآن منعکس شده است و قرآن مطلب تازه‌ای نیاورده است (همان: ۱۱۷). وی با ذکر این مطالب اعلام می‌کند که محمد (ص) نویسنده متن قرآن نیست. تأکید بر دستگیری گدایان و یتیمان چه‌بسا انعکاسی از عقاید ایونی‌ها باشد. در آخر، به این نکته اشاره می‌کند که کتابی که ایونی‌ها تأیید می‌کنند انجیل متی است، اگرچه معلوم نیست دقیقاً چه انجیلی در دست آنها بوده است، اما داستان قرآن درباره تولد عیسی (ع) نیز بیش از هر انجیل دیگری با انجیل متی مطابقت دارد (همان: ۱۱۹). بنابراین، بر اساس دیدگاه امین قضایی، مهم‌ترین دلیل اقتباس قرآن از آیین فرقه ایونی مشابهت بین آموزه‌های اسلام با فرقه مزبور است.

۲. ارزیابی و نقد پیش‌فرض‌های شبهه

وجود تشابهات نسبی میان محتوای قرآن با کتاب مقدس باعث شده است برخی شبهاتی را درباره تأثیرپذیری قرآن از کتاب مقدس مطرح کنند و نتیجه بگیرند که معارف و مطالبی که در قرآن ذکر شده، برگرفته از کتاب مقدس است یا پیامبر اسلام تحت تعلیم علمای اهل کتاب، قرآن را بین مردم عرضه کرده است. خاورشناسان چنین شبهاتی را بسیار مطرح کرده‌اند و کوشیده‌اند با پیش‌کشیدن این نوع شبهات، قرآن را از جایگاهش دور کنند. هر کدام از این محققان ادله‌ای را مطرح، و بر اساس آن دیدگاه خود را تبیین کرده‌اند. شبهات خاورشناسان و پژوهشگران سکولار بر پیش‌فرض‌هایی استوار است که اگر نادرستی‌اش آشکار شود بنیان و اساس شبهه نیز متزلزل خواهد شد.

۱.۲. بررسی تاریخی ارسال نامه از فرقه ایونی به پیامبر

معمولاً شبهه‌افکنان برای آنکه در اصالت علوم و معارف اسلامی تشکیک کنند می‌کوشند به هر نحو برای معارفی که در اسلام وجود دارد ریشه‌ای خارج از شریعت اسلام، خصوصاً دنیای مسیحیت، بیابند (نک: مطهری، ۱۳۸۲: ۱۷/۲). در شبهه حاضر سخن از فرقه یهودی‌مسیحی^۲ به نام ایونیم (איונימ) به میان آمده است که در حد فاصل قرون اول تا چهارم میلادی ظهور کرده و رشد و نمو داشته است (مبلغی آبادانی، ۱۳۷۳: ۳۳۹/۲).

درباره دریافت نامه از فرقه ایونی، امین قضایی به این نکته اشاره می‌کند که پیامبر اسلام برای آنکه بتواند پیروانی جمع کند احتیاج داشته است سخن جدیدی به مردم عرضه کند و خود را از مسیحیت و یهودیت جدا کند و سپس به فرقه ایونی ملحق شود و مبلغ آموزه‌های ایونی‌ها گردد، چنان‌که می‌نویسد:

محمد در مکه نه می‌خواست و نه می‌توانسته ادعا کند که دین جدیدی آورده است. این تنها وقتی میسر بود که قدرت و پیروانی به دست آورد و یا به دلایل سیاسی لازم بود تا آموزه‌های خود را از اهل کتاب (یهودیت و مسیحیت) متمایز سازد (قضایی، ۱۳۹۴: ۱۲۶).

سپس می‌افزاید:

به بیان دیگر، قصد من در اینجا این نیست که نشان دهم دین اسلام یک کپی‌برداری از مذهب ایونی‌ها است بلکه می‌خواهم نشان دهم که عقاید و آموزه‌های نویسنده نامه‌ها به محمد (ص) مطابقت بسیاری با آموزه‌های ایونی دارد و این احتمال را تقویت می‌کند که نویسندگان این نامه‌ها فرقه‌ای ایونی یا نصرانی در سوریه بوده‌اند (همان: ۱۲۷).

با توجه به ادعای قضایی باید مکان حضور فرقه ایونی‌ها و رابطه آنها با شبه‌جزیره عربستان بررسی، و چگونگی ارسال نامه از فرقه ایونی به رسول اکرم (ص) و ترجمه آن به عربی واکاوی تاریخی شود.

۲. ۱. ۱. مکان حضور فرقه ایونی و رابطه‌شان با شبه‌جزیره عربستان

در تبیین مسئله اول می‌توان گفت بنا به شواهد تاریخی موجود و معتبر، برهه زمانی رشد و اضمحلال فرقه ایونی بنا به شواهد تاریخی تا قرن چهارم میلادی به طول انجامید و بعضی از تاریخ‌نویسان نیز بر این مسئله تأکید داشته‌اند، به طوری که دو رویداد تاریخی مهم باعث شده است مقدمات زوال فرقه ایونی از مجامع مسیحیت کلید بخورد:

۱. بنا به گزارش‌های تاریخی، بین سال‌های ۱۳۳ تا ۱۳۵ میلادی، شورش برکوکب (بارکوخبا)^۳ در نیمه اول قرن دوم میلادی باعث افزایش ظلم و ستم سپاهیان روم بر مردم شد، چراکه بارکوکب خود را مسیح موعود معرفی کرد و شعارش را آزادسازی مردم از ظلم رومیان قرار داد. این دعوت با استقبال مردم مواجه شد. از این جهت قیام بارکوکب رنگ و صبغه دینی به خود گرفته بود و جذب و کشش دین موجب شد بسیاری از افراد به این نهضت بپیوندند. بارکوکب با نیروی وسیعی که گرد آورد اورشلیم را تصرف کرد و خود را پادشاه نامید. امپراتور روم با شنیدن این اتفاق بی‌درنگ ارتشی گران فراهم دید و در مقابل قیام بارکوکب ایستاد. بنا به گزارش تاریخ، امپراتور روم با بی‌رحمی، بسیاری از یهودیان را قتل عام کرد. بعضی از شواهد تاریخی نشان می‌دهد در این حادثه حدود پانصد هزار نفر جان خود را از دست دادند و تعداد چشمگیری از یهودیان به آیین ایونی گرویده بودند. سخت‌گیری بر یهودیان بعد از این حادثه به شدت افزایش یافت و ایونی‌ها تحت محاصره رومی‌ها قرار گرفتند و این قضیه باعث شد ایونی‌ها رو به ضعف بگذارند (نک.: هاکس، ۱۳۹۴: ۸۰۸).

۲. تراحات درون‌دینی را می‌توان دومین عامل زوال فرقه ایونی دانست، به طوری که درگیری با کلیسای پولسی در قرن چهارم میلادی باعث شد ایونی‌ها نتوانند در جامعه آن روزگار خود را مطرح کنند و قدرت‌یافتن کلیسا موجبات ضعفشان را فراهم آورد. دشمنان کلیسای پولسی، یعنی بدعت‌گذاران،^۴ هم‌کیشان خود را به دلیل داشتن دیدگاه‌های متفاوت در باب ایمان به قتل می‌رساندند (نک.: کونگ، ۱۳۸۴: ۸۳-۸۶).

در هر دو نقل تاریخی موجود، فرقه ایونی‌ها را کلیسا یا حاکمیت به پرسش کشید. آنها این توانایی و قدرت را نداشتند که ضمن برقراری ارتباط با حضرت رسول (ص) نامه‌هایی برای او ارسال کنند. لذا به‌شدت به ضعف و نابودی گراییدند. حتی می‌توان چنین ادعا کرد که وقتی رسول اکرم (ص) به پیامبری مبعوث شد دیگر نشانه‌ای از این فرقه وجود نداشت و به طور کامل از بین رفته بودند. می‌توان گفت امکان ارتباط پیامبر با این فرقه در آن برهه قریب به محال است. همچنین، امین قضایی خود به حدسی بودن نظرش التفات داشته و مستندی تاریخی مبنی بر چنین ارتباطی عرضه نکرده است.

۲. ۱. ۲. چگونگی ارسال نامه از فرقه ایونی به رسول اکرم و ترجمه آن به عربی
پرسش مهم این است که چگونه نامه‌های فرقه ایونی به دست پیامبر می‌رسیده است تا پیامبر بتواند به عنوان میسیونر مذهبی فرقه ایونی عمل کند و مبلغ آموزه‌های این فرقه باشد، در حالی که طبق سخن امین قضایی کتاب فرقه ایونی در اوایل قرن اول میلادی نوشته شده و به مرور زمان از بین رفته است:

یکی از منابع قدیمی فرقه ایونی‌ها کتاب *Elchasai* است که احتمالاً در اوایل قرن اول میلادی نوشته شده است. این کتاب از دست رفته است، اما هیپولیتوس رومی در کتاب *ابطال تمامی فرقه‌های الحادی* به این کتاب اشاره می‌کند. وی نقل می‌کند که آلسیبیادس (Alcibiades) اهل آپامنا (Apamea)، شهری در سوریه، آموزه‌های این کتاب را تبلیغ و ترویج می‌کند. السیبیادس مدعی بوده است که این کتاب را فرشته‌ای عظیم‌الجثه به *Elchasa* وحی کرده است و سپس وی این کتاب را به فردی به نام *Sobial* داده است (قضایی، ۱۳۹۴: ۱۲۷).

این مطلب ادعای امین قضایی است، اما تاریخ در این قضیه سخن دیگری دارد. ایونی‌ها طبق نقل تاریخی، انجیل متی را پذیرفته بودند و به عنوان کتاب مقدس فرقه خود بدان تمسک می‌جست‌ه‌اند، چنان‌که گریدی می‌نویسد:

ابیونی‌ها، پولس^۶ را به خاطر اینکه معتقد بودند عیسی (ع) پسر خدا است کافر می‌دانستند. بر اساس همین نظرات آنها فقط انجیل متی را قبول داشته و سایر اناجیل را تحریف‌شده محسوب می‌کردند (گریدی، ۱۳۸۴: ۴۳).

در برخی نقل‌ها آمده است که انجیل عبرانیان و ابیونی‌ها کتاب مقدس این فرقه قلمداد می‌شده است (الخضری، ۱۳۰۴: ۴۰۶/۱)؛ در عین حال بنا به گزارش تاریخ، چهارصد سال قبل از میلاد مسیح، اسکندر مقدونی با سفک دماء انسان‌های بی‌گناه، بسیاری را از دم تیغ گذراند و توانست در این دوران سرزمین فلسطین را به تصرف درآورد. در این دوران یهودیان در سراسر زمین پراکنده شدند و کم‌کم زبان خویش (عبری) را کنار گذاشتند و به‌مرور آن را از یاد بردند و برای حفاظت از جان خود زبان یونانی فرا گرفتند. حدود صد سال بعد از این دوران (قرن سوم قبل از میلاد مسیح)، زمانی که بطلمیوس بر بلاد مصر حکمرانی می‌کرد، به دستور وی یهودیان مجبور شدند کتاب عهد قدیم را نیز به زبان یونانی ترجمه کنند. این نشان می‌دهد که در آن دوران یهودیان برای حفظ جان و آیین خود مجبور بودند وضعیت بسیار سختی را تجربه کنند (سلیمانی اردستانی، ۱۳۷۸: ۱۵۴).

با این حال شواهد تاریخی مطلبی خلاف ادعای امین قضایی را نشان می‌دهد. اشکال کار وی این است که صرفاً به گمانه‌زنی درباره موجودیت این کتاب بسنده می‌کند و مشخص است که با دقت و با استناد به کتب تاریخی، درباره این فرقه سخن نمی‌راند و این نوع بیان فرضیه از مجامع علمی به دور است.

نکته جالب در این شبهه‌پراکنی‌ها اینکه امین قضایی خود به ضعف موجود در فرضیه‌اش اشاره می‌کند و می‌گوید:

چنانچه از نظر گذشت، باورهای مذهبی نویسندگان و متون مقدس ایشان بیش از هر چیز با فرقه ابیونی‌ها مطابقت دارد. البته دانش ما از این فرقه بسیار اندک است و معدود اشارات نیز به قرن اول میلادی برمی‌گردد و معلوم نیست که این فرقه در سده‌های بعدی چه تغییراتی از سر گذرانده و یا به چه فرقه‌های دیگری منشعب شده و یا چه فرقه‌های دیگری از ایشان متأثر بوده‌اند. با این

حال چند نکته مسلم است. نویسندگان به یک فرقه الحادى مسیحی یهودی تعلق داشته‌اند. در آنها هیچ نشانی از عقاید و ادبیات مسیحیان ارتدوکس و یهودستیزی دیده نمی‌شود. زیرا هم شریعت یهود را تأیید می‌کردند و بیش از هر چیزی درباره موسی سخن گفته‌اند، با این حال عیسی به عنوان پیامبر خدا مورد قبول آنها است و نسبت به بنی اسرائیل تصور مثبتی نداشته‌اند و برخلاف یهودیان، به ترویج دین بین تمام مردم اعتقاد داشته و میسیونرهای مذهبی مانند محمد در اختیار داشته‌اند. این نشان می‌دهد که آنها صرفاً یهودی نبوده‌اند و در عین حال مسیحی ارتدوکس هم نبوده‌اند. تمام این یافته‌ها بیش از هر چیز با باورهای ایونی‌ها و صابئین مطابقت دارد (قضای، ۱۳۹۴: ۱۴۱).

برخی احتمال داده‌اند که ساکنان مسیحی حجاز در زمان رسول اکرم (ص) ایونیان بوده‌اند (مبلغی آبادانی، ۱۳۷۳: ۳۳۹/۲) که اگر چنین نامه‌هایی وجود می‌داشت قطعاً فرقه ایونی باید به پا می‌خاست و خود را معرفی می‌کرد و به پیامبر اعتراض می‌کردند. برای نمونه می‌توان به انتقادهای آنها درباره قبله مسلمانان اشاره کرد. مسلمانان سیزده سال در مکه و سیزده ماه یا هفده ماه در مدینه به سوی بیت‌المقدس نماز می‌خواندند و قبله‌شان همان جا بود (جعفری، ۱۳۷۶: ۳۷۱/۱). مدت عبادت مسلمانان به سوی بیت‌المقدس معرکه آرای مفسران و محل تضارب اقوال ایشان است. از هفت ماه تا هفده ماه میان مفسران اقوالی ذکر شده، اما گزارش شده است که همواره یهودیان مسلمانان را سرزنش می‌کردند و به تعریض به آنان می‌گفتند اینکه شما به سوی بیت‌المقدس نماز می‌خوانید نشان می‌دهد یهودیان بر حق هستند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱: ۴۸۰/۱). لذا اگر آنها کوچک‌ترین شباهت و اقتباسی بین آیین خود و اسلام می‌یافتند بدون تردید اعلام می‌کردند.

چنان‌که طبق برخی نقل‌ها و نیز طبق حدیثی که در صحیح بخاری ذکر شده است وجود کتاب مقدس به زبان عربی در آن زمان نفی می‌شود. پس به طریق اولی چنین نامه‌هایی محال است وجود خارجی داشته باشد: «کان اهل الکتاب یقرئون التوراة بالعبرانية و یفسرونها بالعربية لاهل الاسلام» (بخاری، ۱۴۰۱: ۱۵۰/۵)؛ «اهل کتاب، تورات را

به زبان عبرانی می‌خواندند و آن را به زبان عربی برای مسلمانان تفسیر می‌کردند». چه اینکه برخی ترجمه‌های کتاب مقدس را به اواخر زمان اموی‌ها ارجاع می‌دهند؛ یعنی ترجمه کتاب مقدس در قرن هشتم رخ داده است (نک: عامری، ۲۰۱۰: ۱۰۰). با این توصیفات نمی‌توان از لحاظ تاریخی ادعای ارسال نامه از سوی فرقه ابیونی به پیامبر را پذیرفت.

۲.۲. عقاید متشابه ابیونی‌ها و اسلام

در نقد این پیش‌فرض باید گفت طبق شهادت تاریخ، عقاید مختلفی درباره شخصیت مسیح و تولدش وجود داشته است:

۲.۲.۱. رد تثلیث و تولد بشری مسیح

پس از عروج حضرت عیسی (ع)، پطرس به عنوان راهبر اصلی مسیحیان شناخته شد (میلر، ۱۳۹۶: ۵۵). مسیحیان بعد الوهیت حضرت مسیح را نپذیرفته بودند و ایشان را رسولی از جانب خدا می‌پنداشتند و انسان بودن حضرت مسیح را اثبات، و خدا و پسر خدا بودن را نفی می‌کردند. این دست از مسیحیان با این عقاید اولین دسته از مسیحیان را تشکیل می‌دادند که شامل پطرس و سایر حواریون می‌شدند. پطرس رهبری کلیسای اورشلیم را به عهده گرفت. در این زمان مسیحیان، یهودیانی محسوب می‌شدند که بر حفظ آیین و شریعت یهود تکیه داشتند و عیسی را تنها پیامبری قلمداد می‌کردند که برای نجات و هدایت بنی اسرائیل مبعوث شده است (ناس، ۱۳۹۲: ۶۱۲). در این دوران، برنامه یونانیزه کردن تعالیم حضرت عیسی (ع) در حال پختگی بود. همان زمان بسیاری از پیروان عیسی (ع) هنوز آگاهی داشتند که وی برای تجدید و توسعه تعالیم حضرت موسی (ع) آمده است. این پیروان، همانند حضرت عیسی (ع)، می‌کوشیدند فهم یهودیان از اعمال خود را به نور علمی که عیسی داده بود روشن کنند. هنوز نوشته‌های عهد قدیم را باور داشتند و پیروی می‌کردند (بهشتی، ۱۳۶۵: ۴۷). به مرور زمان این تفکر دچار انشعاباتی شد اما پرچم عقاید پطرسی را فرقه ابیونی بلند کرد و از درون این جریان فرقه ابیونی به وجود آمد (نک: کرنز، بی‌تا: ۹۹/۱؛ گریدی، ۱۳۸۴: ۴۷).

این پیش‌فرض بنا به دلیلی دیگر نیز مردود و ناپذیرفتنی است؛ چراکه پیش از نزول قرآن، اقتباس، عیب و ننگ به حساب می‌آمد و در شمار سرقت ادبی قرار می‌گرفت. اما پس از نزول قرآن اقتباس مایه افتخار شعرا و باعث زینت‌افزایی اثر آنان می‌شد (نک: عباس‌زاده، ۱۳۸۹: ۴۰). طبق یکی از تقسیم‌بندی‌ها، اقتباس سه نوع است:

۱. اقتباس مقبول: آنچه در خطبه‌ها، مواعظ، عهدنامه‌ها، مدح پیامبر و مانند آن است.
۲. اقتباس مباح: آنچه در غزل، نامه‌ها و قصه‌ها است.
۳. اقتباس مردود، که خود دو قسم است: ۱. آنچه خدا آن را به خود نسبت داده، ولی فرد اقتباس‌کننده آن را به خود نسبت دهد؛ ۲. قرآن در معنای هزل و مسخره‌گویی به کار گرفته شود (ابن حجه حموی، ۲۰۰۴: ۴۴۵/۲). با وجود این قرآن دارای محتوا و مطالبی است که کلام کتب شرایع گذشته را پوشش می‌دهد و بر کلام گذشتگان، حال و آیندگان هیمنه و سیطره دارد و نمی‌توان آن را فرع تلقی کرد. حال اگر چیزی در فرع (قرآن) بیاید که صحیح‌تر و کامل‌تر از اصل (انجیل ایونی‌ها) باشد و اشکالات آن را برطرف کند، نشان‌دهنده فقدان اقتباس است. قرآن کریم معارف بسیار بلندی دارد که گذشتگان و مخاطبان عصر حاضر توانایی رویارویی و محاجّه با آیات قرآن کریم را ندارند. پس ادعای اقتباس قرآن، سخنی پوچ و توخالی است.

ظاهراً امین قضایی، خواسته یا ناخواسته، در تحلیل عقاید متشابه اسلام و ایونی راه را اشتباه پیموده و به نوعی در نقد و تحلیل خود به‌عکس نتیجه گرفته و مسئله پیوستگی شرایع آسمانی از حضرت آدم (ع) تا خاتم و تأکید اسلام بر لزوم ایمان به تمامی کتب آسمانی گذشته را مصادره به مطلوب کرده است. پرسشی که باید از طراح شبهه پرسید این است که: آیا جداناپذیری و ارتباط لاینفک تمامی ادیان گذشته، غیر از منشأ الهی و واحد داشتن، از چیز دیگری خبر می‌دهد؟! چند نکته را باید در نظر داشته باشیم:

۱. برخی از مطالب مربوط به انبیای سلف در قرآن و آگاهی دانشمندان آنها از برخی از آموزه‌های قرآن و تصدیق و تأیید تورات در قرآن همگی دقیقاً در همین راستا تحلیل‌پذیر است و جزء مؤیدات این سخن است. زیرا هم دانشمندان اهل کتاب بهتر از مشرکان و کافران، الهی‌بودن معارف قرآن را تشخیص می‌دادند و هم به سبب بشارت

بعثت پیامبر اکرم و ثبت مشخصات دقیق آن حضرت در کتاب‌های آسمانی‌شان، او را همانند فرزند خویش می‌شناختند (نک: بقره: ۱۴۶).

۲. به طریق اولی عقاید متشابه اسلام و ایبونی‌ها از این رهگذر توجیه و تحلیل منطقی می‌شود؛ زیرا قرآنی که تورات و انجیل مصدق آن است دیگر موقعیتی برای اظهار وجود برای آیین ایبونی، بدون کتاب مشخص، باقی نمی‌گذارد.

۳. تشابه دو متن الزاماً منجر به تأثیرپذیرفتن آن دو از یکدیگر نمی‌شود. زیرا چه بسا فردی مطلع و آگاه بتواند محتوایی تولید کند که در نوع خود بدیع باشد، بدون آنکه مخاطب بویی از اقتباس استشمام کند. همچنین، نشان از تأثیرپذیری قرآن از آیین ایبونی ندارد بلکه این مسئله را تقویت می‌کند که این کتاب‌ها از لحاظ منبع و مصدر واحدند و قطعاً شباهت‌هایی که میان ایبونی‌ها و قرآن وجود دارد از لحاظ منطقی نشان‌دهنده این مسئله نیست که قرآن کریم تحت تأثیر نامه‌های فرقه ایبونی به مردم ابلاغ شده است.

۴. وحیانی بودن قرآن کریم نیز به جملات و ظاهر الفاظ قرآن محدود نیست بلکه محتوای عمیق قرآن است که آن را از کتب دیگر متمایز می‌کند و قرآن قطع به یقین بر کتب پیشین انبیای گذشته هیمنه و سیطره دارد.

۲.۲.۲. فرقه ایبونی و نفی گناه نخستین

فرقه ایبونی گناه نخستین را نفی می‌کند. این نظر در میان مسیحیت با عنوان «نجات» مطرح می‌شود. از آنجایی که فرقه ایبونی فرقه‌ای متشکل از یهودیت و مسیحیت است تأثیرپذیری فرقه از آموزه‌های مسیحیت صحیح‌تر است تا تأثیرپذیری ایبونی از اسلام؛ چراکه در میان مسیحیت عقیده‌ای وجود دارد که تمام آدمیان به دلیل گناه اولیه یا موروثی ذاتاً مفسد و در پیشگاه حضرت احدیت گناهکار و محکوم به عذاب ابدی هستند. آنها در مقابل معتقدند مرگ حضرت مسیح و تصلیب وی موجب نجات انسان از گناه نخستین است و از بین رفتن ایشان را تنها راه ورود به بهشت ابدی می‌دانند. بنابراین، از اندیشه‌های کلامی مهم میان مسیحیت نجات از گناه نخستین است. زمان حضرت عیسی (ع) این عقیده میان مردم شیوع پیدا کرده بود که گناه حضرت آدم و

حوا در بهشت باعث شده است همه انسان‌ها محکوم به عذاب اخروی شوند و زمانی که حضرت آدم (ع) از بهشت بیرون رفت گناه و گناهکار متولد شد. به عقیده پیروان حضرت مسیح، او فرستاده شده است تا افراد بشر را از گناه ابدی نجات دهد (طالبی، ۱۳۸۳: ۱۰۹). این دیدگاه با عنوان «بازخرید گناه بشر با خون عیسی» معروف است:

خدا برای نجات شما قیمتی پرداخته تا شما را از قید روش‌های پوچ و بی‌فایده زندگی که از اجداد خود به ارث برده بودید آزاد کند. قیمتی که خدا برای آزادی از این اسارت پرداخت، به طوری که می‌دانید، طلا و نقره نبود، بلکه خون گران‌قیمت مسیح بود که همچون بره‌ای بی‌گناه و بی‌عیب و لکه قربانی شد (اول پطرس، ۱: ۱۸-۱۹).

این آموزه برگرفته از اعتقادات کلامی مسیحیت است. بسیار عجیب است که امین قضایی این اعتقادات را به اسلام و قرآن نسبت می‌دهد. واضح است که موضع اسلام در برابر حضرت عیسی (ع) کشته‌نشدن حضرت عیسی است (نک: نساء: ۱۵۷) و قرآن اعتقادات مسیحیت در این باره را نمی‌پذیرد.

۲.۲.۳. شیوع زندگی راهبانه در فرقه ایونی

بنا به گزارش مورخان، ایونی‌ها و اسنی‌ها^۶ در زندگی رهبانی شباهت‌ها و وجوه اشتراک متعددی داشتند، به حدی که برخی از تاریخ‌دانان و محققان، از جمله تایچر، تصور کرده‌اند که ایونی‌ها زیرمجموعه‌ای از اسنی‌ها محسوب می‌شوند. این گفتمان زمانی به حقیقت نزدیک‌تر می‌شود که در برخی از گزارش‌های تاریخی ایونی‌ها پس از رنج فراوانی که از طرف حکام به آنان وارد شد از فلسطین به سمت رود اردن، که اسنی‌ها در آنجا زندگی می‌کردند، مهاجرت کردند. چنانچه این گزارش تاریخی صحیح باشد و با در نظر گرفتن ارتباط حضرت یحیی (ع) با اسنی‌ها می‌توان ادعان کرد که ایونی‌ها تحت تأثیر آموزه‌های حضرت یحیی (ع) قرار گرفتند و می‌توان حدس زد که عقیده خدانبودن حضرت عیسی (ع) را از آن حضرت فرا گرفته بودند. به‌علاوه، بین فرقه ایونی و اسنی‌ها اختلافاتی وجود دارد، از جمله: بی‌توجهی به بدن و جثه انسان،

مخالفت با درجات علمی کشیشان، دشمنی با کتب انبیا و رهبانیت و ریاضت شدید. شاید بتوان گفت اییونی‌ها صاحب مسلک و شریعتی در حد فاصل بین اسنی‌ها و مسیحیت پولسی بودند (دانیلو، ۱۳۸۳: ۱۴۲-۱۴۴).

وجه اشتراک جزئی اعتقادی میان فرقه اییونی و اسلام ناب موجب شده است امین قضایی گمان کند اسلام مقتبس از آیین اییونی است. علت اینکه امین قضایی چنین مسئله‌ای را مطرح کرده و قرآن را متأثر از اییونی‌ها دانسته خلط دو مفهوم «زهد» و «رهبانیت» است. در اسلام «زهد» معنای متفاوتی با «رهبانیت» دارد. باید به اجمال نکاتی را در این باره بیان کنیم.

بهره‌مندی بی‌ضابطه و مطلق از مواهب دنیا و نیز وانهادن یکسره امکانات و نعمات دنیوی، با آموزه‌های قرآن کریم مغایر است. این دو مسئله در نظام فکری و فرهنگی قرآن جایگاهی ندارد، بلکه «زهد» در اسلام به این معنا است که فرد، شیفته و فریفته امور دنیا نباشد همچنان که دل‌بستگی و وابستگی به نعمات و مواهب دنیا صحیح نیست (نک: مطهری، ۱۳۸۲: ۳۷۷/۵). بهترین بیان در مفهوم «زهد» آیه ۲۳ سوره حدید است که خدای سبحان می‌فرماید: «بر آنچه از دست شما رفت تأسف نخورید، و بر آنچه به شما عطا کرده است شادمان و دلخوش نشوید».

اما رهبانیت در اسلام مذموم و ناپذیرفتنی است، چراکه از نظر قرآن مسیحیت، بدعت رهبانیت را رواج داد (حدید: ۲۷)، حدود آن را رعایت نکرد، و مسیحیان به نام زهد ناهنجاری‌هایی را در آیین مسیح به وجود آوردند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۶۴۱). در مقابل، اسلام با تفکر ریاضت و رهبانیت، سخت مبارزه کرده است. قرآن کریم آفرینش و سایل تجمل را از لطف‌های خدا به بندگانش قلمداد کرده و به‌شدت از تحریم زینت‌های دنیا بر خود انتقاد کرده است (اعراف: ۳۲).

با این توصیفات شبهه هماهنگی اعتقادات اییونی‌ها با اسلام از ریشه و اساس نادرست است و نشان از ضعف شبهه دارد.

۲.۳. شباهت قریب آیات الاحکام با احکام ایبونی

به نظر می‌رسد ایبونی‌ها در آیین خود، منع خوردن گوشت خوک، ختنه، نماز و روزه و قوانین جزایی مانند قصاص و سنگسار را پذیرفته بوده‌اند. با لحاظ این مسئله امین قضایی می‌کوشد فقه اسلامی را تحت تأثیر فرقه ایبونی قلمداد کند. جالب است که برخی از خاورشناسان اعتراف کرده‌اند که این سنت دیرینه آنها است که همواره مصرانه در پی اثبات خاستگاهی یهودی برای آموزه‌ها و مفاهیم اسلامی بوده است (Graham, 1980: 139-140). از همین رو قضایی در صدد یافتن تشابهاتی میان فقه اسلام و احکام ایبونی است تا مسئله تأثیرپذیری اسلام از ایبونی را مطرح کند. فن کریمر در مطالعات خود در زمینه فقه اسلامی، مسئله تأثیرپذیری قوانین اسلام از خارج از شبه جزیره عربستان را بررسی کرده و مدعی شده است که فقه حنفی و قوانین رومیان در برخی اصطلاحات تشابهاتی با یکدیگر دارند (Kremer, 1875: 532-547). وی با استناد به تاریخ می‌کوشد فقه اسلامی را وام‌گرفته از فقه شریعت‌های گذشته تلقی کند. مثلاً می‌گوید مسلمانان بعد از فتح سوریه و عراق به مدارس رومی دست یافتند و از آن اقتباس کردند (کریمر، ۱۹۲۰: ۴۴۷). حتی این دیدگاه بین دانشمندان اسلامی هم دست به دست شده و برخی گفته‌اند معارف یونانی، هندی و ایرانی وارد اسلام شده و فقه اسلام متشکل از دستوره‌های آیین‌های گذشته است (الحاج، ۲۰۰۲: ۴۶۴؛ الدوالیبی، ۱۳۶۸: ۳۳۰).

با این توضیحات دو نکته روشن می‌شود؛ نخست اینکه، شباهت فقه اسلام با احکام ایبونی را دانشمندان دیگر به اشکال مختلف بیان کرده‌اند و فقط تفاوت در محمول است. بعضی گفته‌اند احکام اسلام از روم وارد شده است؛ بعضی دیگر گفته‌اند از فرقه ایبونی وارد شده است؛ و چه‌بسا در آینده مدعی شوند گروه و فرقه دیگری آن را وارد کرده‌اند. نکته دوم اینکه آنچه مسائل را به یکدیگر متصل می‌کند آن است که فقه اسلام را وامدار فرقه‌های گذشته تصور می‌کنند و می‌کوشند رنگ غیرالاهی به احکام و شرایع اسلام بدهند. ولی واقعیت مسئله این است که این دعاوی با تاریخ هماهنگی ندارد. به گواهی تاریخ، مسلمانان، عراق و سوریه را در سال ۶۳۵ فتح کردند و مدارس رومی بسته شده یا از بین رفته بود. پل کولینه درباره مدارس رومی تحقیقی انجام داده است. طبق گزارش

وی، سال ۶۰۰ میلادی بیروت به دلیل زلزله به ویرانه‌ای تبدیل شده بود. به همین دلیل اعراب در سال ۶۳۵ هجری آن را به راحتی فتح کردند (Collinet, 1925: 28-29). غرض از ذکر این گزارش تاریخی آن است که طبق آنچه قبلاً بیان شد فرقه ابیونی تا قرن چهارم رو به زوال گرایید و به دست حکام و کلیساها کنار گذاشته شد. لذا چگونه ممکن است این فرقه نامه‌هایی به پیامبر ارسال کند و از احکام و محتوای فرقه خود سخن به میان آورد؟ چراکه پیامبر اسلام حدود ۲۰۰ سال بعد از انقراض ابیونی‌ها به پیامبری مبعوث شده است. از طرف دیگر به صرف هماهنگی جزئی میان احکام اسلام با فرقه ابیونی، امین قضایی نمی‌تواند ادعای اقتباس آیات الاحکام قرآن از این فرقه را داشته باشد.

ضمناً کسانی که شبیه اقتباس فقه اسلامی از شریعت یهود را پیش کشیده‌اند به این نکته اعتراف کرده‌اند که دو شریعت اسلام و یهود شامل قوانین آمره در عبادات و معاملات هستند. چون مستند به وحی الاهی‌اند و مصدر احکامشان خدا است. لذا باید تشابه داشته باشند. حتی بوسکه معتقد است فقه اسلامی و شریعت یهود تفاوت جوهری با یکدیگر دارند (Bousquet, 1947: 77-78). پس به طریق اولی در فقه اسلامی و احکام ابیونی، که زیرمجموعه یهودیت و از انشعابات آن است، نیز این مسئله صدق می‌کند.

البته باید توجه داشت که شبیه اقتباس فقه اسلامی از فرقه ابیونی باطل است، چراکه شرایع آسمانی، از آن جهت که مبدأ و اهداف واحدی دارند ممکن است در نوع معاملات تشابهاتی داشته باشند. همچنین، قاعده عامی در شریعت اسلامی به نام «استصحاب عدم نسخ»^۷ وجود دارد که می‌گوید: «شرع من قبلنا شرع لنا ما لم ینسخ بنص صریح من القرآن والسنة»؛ در نتیجه عجیب نیست که در برخی از احکام میان اسلام و ابیونی شباهت‌هایی وجود داشته باشد، کم‌اینکه میان اسلام و یهودیت هم چنین فرضی صادق است (الحاج، ۲۰۰۲: ۴۵۰). گرچه احکام فقهی دایره گسترده‌ای دارد و بررسی احاد فقه اسلامی می‌تواند به تقویت اقوال مذکور کمک کند اما کنکاش تاریخی و بررسی مستندات دانشمندان نشان داد فقه اسلامی از فرقه ابیونی تأثیر نپذیرفته، بلکه قرآن مکمل و مصحح احکام شرایع آسمانی گذشته است.

با دقت در نوع مجازات شرایع آسمانی گذشته دیده می‌شود که جرائم علیه عفت عمومی، از جمله زنا، شدیدترین مجازات‌ها همچون رجم، سوزاندن در آتش و اعدام را در پی دارد. در شریعت اسلام نیز زنا از جرایمی است که مجازاتش قتل، رجم، تازیانه تنها یا تازیانه و سرتراشیدن و تبعید با هم است. با کمی دقت در این مطالب مشخص می‌شود که در دین اسلام مجازات سوزاندن به کلی حذف شده و هیچ سخنی از آن نیست. از طرف دیگر، با مقایسه جزئی این تفاوت‌ها مشخص می‌شود که دین مقدس اسلام، افراط آیین‌های گذشته را به اعتدال و میانه‌روی سوق داده است؛ چراکه اساس و بنای دین اسلام فطری است و در هنگام مهرورزی با تمام وجود بر عواطف انسانی تأکید دارد و هنگام خشم، هیچ اغمازی برای فرد خاطی قائل نیست و این بالندگی و انعطاف اسلام در مسائل مختلف فقهی قابل مقایسه با شرایع گذشته نیست (نک: غفوری‌نژاد و رسول‌خانی، ۱۳۸۸: ۱۵۹).

۲.۴. وجود آموزه‌های اخلاقی مشابه بین قرآن و فرقه ایونی

امین قضایی در نوشته خود با ذکر پیش‌فرضی دیگر بر این مسئله پافشاری می‌کند که آیات قرآن بسیار هماهنگ و هم‌راستا با آموزه‌های عهدین است و گام را در شبهه‌اندازی بالاتر می‌گذارد و می‌گوید آموزه‌های اخلاقی فرقه ایونی در شریعت اسلام خود را نشان داده است. پیروان فرقه ایونی تأکید فراوانی بر کمک به فقرا و یتیمان دارند. آنها عیسی را کسی می‌دانستند که به‌وضوح اعلام کرده است که با ثروت مادی امکان رستگاری وجود ندارد (نک: قضایی، ۱۳۹۴: ۱۱۷). تأکید بر کمک به فقرا و یتیمان، به‌خصوص در آیات مکی، بارها در قرآن منعکس شده است. در نهایت به مقصود نهایی خود تأکید می‌کند و اذعان دارد که قرآن مطلب تازه‌ای نیاورده و حاصل نامه‌هایی است که این فرقه برای او ارسال کرده‌اند. با این توصیفات نیاز است که برای روشنگری در این موضوع نکاتی را مطرح کنیم.

نخست آنکه، اخلاق شیوه چگونگی زیستن یا چگونگی زندگی کردن است و از طریق اخلاق راه زندگی سالم از زندگی ناسالم و انسان کامل از دیگر انسان‌ها تمییز و

تشخیص داده می‌شود؛ چراکه بهره‌مندی از فضایل و دوری از رذایل در علم اخلاق گنجانده شده است؛ بخش گسترده‌ای از آیات قرآن شامل مسائل اخلاقی است و قرآن هم یکی از مهم‌ترین رسالت‌های انبیا را تزکیه نفوس تلقی کرده است (نک: بقره: ۱۲۹؛ آل‌عمران: ۱۶۴).

نکته دوم آنکه، در شرایع آسمانی گذشته نیز چنین مسائل و دستورهای اخلاقی‌ای موج می‌زند، به طوری که در شریعت یهود، اولین اصول اخلاقی که روابط میان افراد را مد نظر قرار داده، ده فرمان حضرت موسی (ع) است؛ و نیز قاعده دیگر در مسیحیت که از آن به قاعده زرین در انجیل یاد می‌شود که بر روابط میان فرد و جامعه تکیه دارد و توجه می‌کند که شخص با دیگران طوری رفتار کند که میل دارد دیگران با او رفتار کنند (بابایی اهری، ۱۳۸۱: ۱۰۰).

از پیوند دو مسئله مطرح شده مشخص می‌شود که از منظر شرایع آسمانی دینداری و اخلاق‌مداری به شکل ریشه‌ای با یکدیگر پیوند دارند و رفتار صحیح و اخلاق‌مدارانه همواره محل عنایت و توجه خدای سبحان است، چراکه فقط خداوند است که مظهر خوبی‌ها و مستجمع جمیع صفات نیک است. به سخن دیگر، تأکید آیات کتب آسمانی گذشته، ریشه در فطرت و روح آدمی دارد و انسان فطرتاً پذیرای خوبی‌ها و نیکی‌ها و بیزار از بدی‌ها است (نک: شمس: ۷-۸)؛ تمامی تأکیدات شرایع آسمانی بر فضایل اخلاقی در جهت آموزش اخلاق صحیح و شکوفایی فطرت انسان و جهت‌دهی و تکمیل آن است. قرآن کریم دارای محتوایی است که مکمل و ارتقادهنده دستورهای کتب آسمانی گذشته و نیز فرقه ایونی است و هر انسانی با تدبیر در قرآن به آن دست خواهد یافت.

نتیجه

مستندات امین قضایی مبنی بر اقتباس قرآن از نامه‌هایی که فرقه ایونی ارسال می‌کرده است با اشکالاتی مواجه است. ارسال نامه از طرف فرقه ایونی برای پیامبر (ص) بنا به دلایل تاریخی باطل است، چراکه فرقه ایونی را حکام و کلیسای مسیحیت تخطئه کرده بودند و این فرقه تا قرن چهارم میلادی رو به زوال نهاده بود. ثانیاً زبان

بررسی تطبیقی آیین ایونی با قرآن: پاسخ‌گویی به شبهه اقتباس / ۲۷

کتاب ایونی‌ها یونانی و عبرانی بوده و این با شواهد تاریخی موجود که شخصی بتواند آموزه‌های فرقه ایونی را به عربی ترجمه کند و آنقدر در ادبیات عرب قوی باشد که فصاحت و بلاغت در قرآن را در این سطح گزارش کند همخوانی ندارد.

قضایی می‌کوشد با ذکر مستندات قرآن را برگرفته از این فرقه تلقی کند، که با اشکالاتی مواجه است، از جمله اینکه اگر متن اقتباس‌شده، یعنی قرآن کریم، بر اصل خود، یعنی آموزه‌های ایونی، برتری داشته باشد نشان از سیطره و هیمنه علمی فرع بر اصل است. این نکته درباره ایونی و قرآن نیز صادق است و قرآن نمی‌تواند مقتبس از نامه‌هایی از فرقه ایونی باشد.

با این حال قضایی با ذکر مطالبی بدون ارجاع صحیح و با برداشت سطحی از فرقه ایونی و ضعف ارجاعات در کتاب خود مواجه است. ادعاهای وی بیشتر به گمانه‌زنی شباهت دارد. تاریخ، اشکالات بر نظریه قضایی را تأیید می‌کند. با وجود این، صحت انتقادات واردشده در این جستار بر کتاب امین قضایی در عصر حاضر واضح است.

پی‌نوشت‌ها

۱. سکولاریسم (به فرانسوی: *sécularisme*)، گیتی‌گرایی یا جدانگاری دین از سیاست، عقیده‌ای است مبنی بر جدایی نهادهای حکومتی و کسانی که بر مسند دولت می‌نشینند از نهادها و مقام‌های مذهبی.

۲. اصطلاح «یهودی‌مسیحی» (انگلیسی: *Judeo-Christian*) گروه مسیحیت و یهودیت را دسته‌بندی می‌کند، چه در ارجاع به مشتق‌شدن مسیحیت از یهودیت، چه در شباهت‌ها یا اشتراکات بین این دو مذهب. این اصطلاح در اینجا به یهودیانی اشاره می‌کند که به مسیحیت برگشته بودند.

۳. شورش بارکوخبا (عبری: *בִּרְכַּבְּא שְׁוֹרֶשׁ יְהוּדִים*) شورش یهودیان در استان یهودا به رهبری شمعون بارکوخبا علیه امپراتوری روم بود. این درگیری بین سال‌های ۱۳۲ تا ۱۳۶ میلادی اتفاق افتاد و آخرین سه جنگ بزرگ یهودیان‌رومیان بود. از این‌رو نام دیگر این درگیری جنگ سوم یهودی‌رومی است. درگیری به دلیل مسائل سیاسی و مذهبی رخ داد.

۴. ایونی‌ها یا بدعت‌گذاران نامی است که برای این فرقه قرار داده بودند.

۵. پولس یا پولوس شخصیتی از مهم‌ترین مبلغان مسیحیت و بنیان‌گذار الاهیات و خداشناسی این آیین بود (ایلخانی، ۱۳۷۴: ۳۹۳).

۶. اسنی‌ها فرقه‌ای از یهودند که در قرن دوم پیش از میلاد در فلسطین و سوریه سکونت داشته و در تاریخ یهود به عنوان «زهاد» شناخته شده‌اند. این گروه به علت تعالیم و آیین‌های خاص خود، که متمایز از دیگر فرقه‌های یهودی است، منادیان آیین مسیحیت به حساب می‌آیند (نوابی قمصری، ۱۳۹۳: ۳۱۵).

۷. بنا بر نظر مشهور اصولیون، استصحاب عدم نسخ هم درباره احکام شریعت اسلامی جاری است و هم درباره احکام شرایع سابق.

منابع

کتاب مقدس (۱۳۹۶). ترجمه: فاضل‌خان همدانی، تهران: اساطیر، چاپ چهارم.
ابن حجه حموی، تقی الدین ابوبکر (۲۰۰۴). *خزانة الادب و غایة الارب*، تحقیق: عصایم شقیو، بیروت: دار البحار.

انصاریان، حسین (۱۳۸۳). *ترجمه قرآن*، قم: اسوه.

ایلخانی، محمد (۱۳۷۴). «پولس»، در: *ارغنون*، ش ۵ و ۶، ص ۳۹۳-۴۱۴.
بابایی اهری، مهدی (۱۳۸۱). «اخلاق در کسب و کار»، در: *کمال مدیریت*، س ۱، ش ۱، ص ۹۹-۱۱۸.

بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱). *صحیح البخاری*، بیروت: دار ابن کثیر.
بهشتی، احمد (۱۳۶۵). «عیسی، پیامبر اسلام؛ بخش چهارم: کتاب هرماس»، در: *درس‌هایی از مکتب اسلام*، س ۲۶، ش ۹، ص ۴۶-۵۱.

جعفری، یعقوب (۱۳۷۶). *تفسیر کوثر*، قم: مؤسسه انتشارات هجرت.
الحاج، ساسی سالم (۲۰۰۲). *نقد الخطاب الاستشراقی*، بیروت: دار المدار الاسلامی.
الخضری، القس حنّا جرجس (۱۳۰۴). *تاریخ الفکر المسیحی*، قاهره: دار الثقافة.
دانیلو، ژان (۱۳۸۳). *ریشه‌های مسیحیت در اسناد بحرالامیت*، ترجمه: منصور معتمدی، علی مهدی‌زاده، تهران: نشر ادیان.

الدوایی، معروف (۱۳۶۸). *المدخل الی علم اصول الفقه*، دمشق: مطبعة الجامعة السوریة.
سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم (۱۳۷۸). «درآمدی بر شناخت کتاب مقدس»، در: *هفت آسمان*، س ۱، ش ۲، ص ۱۴۴-۱۶۲.

طالبی، حسن (۱۳۸۳). «نجات‌شناسی از دیدگاه مسیحیت و اسلام»، در: *پژوهش‌نامه حکمت و فلسفه اسلامی*، ش ۱۰ و ۱۱، ص ۱۰۷-۱۲۸.

عامری، سامی (۲۰۱۰). *هل القرآن الکریم مقتبس من کتب اليهود والنصارى*، عمان: المؤسسة العلمية الدعوية العالمية مبادرة البحث العلمي لمقارنة الاديان.

عباس زاده، حمید (۱۳۸۹). «اقتباس های قرآنی در نهج البلاغه»، در: *مطالعات تفسیری*، ش ۱، ص ۳۸-۵۵.

غفوری نژاد، محمود؛ رسولخانی شهنانی، مرضیه (۱۳۸۸). «مقایسه تطبیقی مجازات در متون یهود و اسلام در سه جرم قتل، زنا، سرقت»، در: *فقه و تاریخ تمدن*، ش ۲۲، ص ۱۳۱-۱۶۱. قضایی، امین (۱۳۹۴). *نامه‌هایی برای محمد پیامبر؛ پژوهشی بر ریشه‌های قرآن*، سوئد: انتشارات آزاد ایران.

کرز، ارل ای. (بی تا). *سرگذشت مسیحیت در طول تاریخ*، ترجمه: آرمان رشدی، تهران: انتشارات ایلام.

کریم، آلفرد فون (۱۹۲۰). *تاریخ الحضارة فی الشرق*، ترجمه: خوداباکش، قاهره: بی نا. کونگ، هانس (۱۳۸۴). *تاریخ کلیسای کاتولیک*، ترجمه: حسن قنبری، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

گریدی، جوان ا. (۱۳۸۴). *مسیحیت و بدعت‌ها*، ترجمه: عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، قم: طه، چاپ دوم.

مبلغی آبادانی، عبدالله (۱۳۷۳). *تاریخ ادیان و مذاهب جهان*، تهران: منطق.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۲). *یادداشت‌های استاد مطهری*، تهران: صدرا. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). *یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ*، تهران: دارالکتاب الاسلامیة، چاپ چهارم.

مکارم شیرازی، ناصر؛ و همکاران (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامیة. مؤدب، سید رضا (۱۳۹۳). *مبانی تفسیر قرآن*، قم: انتشارات دانشگاه قم، چاپ سوم. میلیر، ویلیام (۱۳۹۶). *تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران*، ترجمه: علی نخستین، تهران: اساطیر، چاپ دوم.

ناس، جان (۱۳۹۲). *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه: علی اصغر حکمت، تهران: علمی فرهنگی، چاپ بیست و دوم.

نوابی قمصری، مریم السادات (۱۳۹۳). «اسنی‌ها و مندائیان: مقایسه باورها و آیین‌ها»، در: *ادیان و عرفان*، س ۴۷، ش ۲، ص ۳۳۳-۳۶۱.

هاکس، جیمز (۱۳۹۴). *قاموس کتاب مقدس*، تهران: اساطیر، چاپ سوم. همتی، محمدعلی؛ شاکر، محمدکاظم (۱۳۹۵). *گزارش، نقد و بررسی آرای کریستف لوکنزبرگ در کتاب قرائت آرامی سریانی قرآن*، قم: دانشکده اصول‌الدین.

- Bousquet, G. H. (1947). "Le Mystere da la Formation at des Origines du Fig", in: *Revue Algerienne, Tunisienne ET Marocaine de la Legislation et de la Jurisprudence*, vol. 63, p. 76, alger.
- Collinet, Paul (1925). *Histoire de l'école de droit de Beyrouth*, Paris.
- Graham, W. (1980). "Review of *Quranic Studies: Sources and Methods of Scriptural Interpretation*", by John Wansbrough, in: *Journal of the American Oriental Society* 100ii, vol. 38, pp. 137-141.
- Kremer, Alfered Von (1875). *Culture Geschichte des Orients under den Chalifen*, Vienna.

References

- Abbaszadi, Hamid. 2010. "Koranic Adaptations in Nahj al-Balagha (Iqtibasha-yi Qurani dar Nahj al-Balagha)." In: *Mutaliat Tafsiri (Interpretive Studies)*, 1: 38-55. [in Farsi]
- Al-Bukhari, Muhammad. 1981. *Sahih al-Bukhari. Beirut*, Dar ibn Kathir. [in Arabic]
- Al-Dawalibi, Maruf. 1949. *An Introduction to the Principles of Islamic Jurisprudence (al-Madkhal ila Ilm Usul al-Fiqh)*, Damascus: Matba' al-Jami'a al-Suriyyah. [in Arabic]
- Alkhizri, al-Qiss Hanna Jirjis. 1887. *The History of Christian Thought (Tarikh al-Fikr al-Masih)*, Cairo: Dar al-Thaqafa. [in Arabic]
- Amiri, Sami. 2010. *Is Koran Adapted from Jewish and Christian Books? (Hal al-Quran al-Karim Muqtabas min Kutub al-Yahud wa-l-Nasara?)*. Oman: Al-Muassisa al-Ilmiyyah al-da'wiyyah al-Alimiyyah Mubadara al-bahth al-ilmi li-Muqarana al-Adyan. [in Arabic]
- Baba'i Ahari, Mihdi. 2002. "Morality in Business (Akhlaq dar Kasb-u Kar)." In: *Kamal-i Mudiriyyat (Excellence of Management)* 1: 99-118. [in Farsi]
- Bihishti, Ahmad. 1986. "Jesus, The Prophet of Islam; Fourth Section: Hermas Isa Payambar-i Islam; Bakhsh-i Chaharum: Kitab-i Hermas." In *Maktab-i Islam (The School of Islam)*, 9: 46-51. [in Farsi]
- Bousquet, G. H. 1947. "LE Mystere da la formation at des origines du figh." *Revue algerienne, Tunisienne ET Marocaine de la legislation et de la jurisprudence*, vol. 63: 76, alger.
- Cairns, E. Earle. n.d. *Christianity Through the Centuries: A History of Christian Church*. Translated by Arman Murshidi. Tehran: Ilam Publications. [in Farsi]
- Collinet, Paul. 1925. *Histoire de l'école de droit de Beyrouth*, Paris.
- Danielou, Jean. 2004. *The Dead Sea Scrolls and Primitive Christianity*. Translated by Mansur Mu'tamidi. Tehran: Adyan Publications. [in Farsi]
- Ghafurinizhad, Mahmud, and Rasulkhani Shahnani, Marziyih. 2009. "A Comparative Study of Punishment in Jewish and Islamic Texts of Murder, Adultery, and Theft (Muqayisi-yi Tatbiqi-yi Mujazat dar 3 jurm-i qatl, zina va sirqat)." In: *Fiqh va Tarikh-i Tamaddun (Islamic Jurisprudence and History of Civilization)*, no. 22:131-161. [in Farsi]
- Graham, W. 1980. "A Review of *Quranic Studies: Sources and Methods of Scriptural Interpretation* by John Wansbrough." In: *Journal of the American Oriental Society* 100ii, vol. 38: 137-141.

- Hawkes, James. W. 2015. *Persian Bible Dictionary*. Tehran: Asatir Publications. [in Farsi]
- Himmati, Muhammad Ali, and Shakir, Muhammad Kazim. 2016. *A Critical Review of Christoph Luxenberg's Views in his The Syro-Aramaic Reading of the Koran: A Contribution to the Decoding of the Language of the Qur'an (Guzarish, Naqd va Barrasi-yi Ara-yi Christoph Luxenberg dar Kitab-i Qira'at-i Arami-Siryani-yi Quran)*. Qom: Publishing House of The Faculty of The Principles of Religion. [in Farsi]
- Ilkhani, Muhammad. 1995. "Paul the Apostle (Pulis)". In: *Arghanun*, no. 5 and 6: 393-414. [in Farsi]
- Ja'fari, Ya'qub. 1997. *Interpretation of Kawsar (Tafsir-i Kawsar)*. Qom: Hijrat Publishing House. [in Farsi].
- Koran*. 2004. Translated by Hussein Ansariyan. Qom: Uswi Publications. [in Arabic and Farsi]
- Kremer, Alfered Von. 1875. *Culture Geschichte des Orients under den chalifen*. Vienna: n.p.
- Kremer, Alfred Von, *A History of Civilization in The East (Tarikh al-Hizara fi al-Sharq)*. Translated by Khud Abakish. Cairo: n.p. [in Arabic]
- Kung, Hans. *The Catholic Church: A Short History*. Translated by Hassan Qanbari. Qom: The Center for the Studies of Religions and Denominations. [in Farsi]
- Makarim Shirazi, Nasir, et al. 1992. *An Exemplary Interpretation (Tafsir-i Nimuni)*. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyyah. [in Farsi]
- Makarim Shirazi, Nasir. 2007. *180 Questions And Answers (Yiksad-u Hashtad Pursish va Pasukh)*. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyyah. [in Farsi]
- Miller, William McElwee. *A History of the Ancient Church in the Empires of Rome and Persia*. Translated by Ali Nukhustin. Tehran: Asatir Publications. [in Farsi]
- Mu'addab, Siyyid Riza. 2014. *The Basics of The Interpretation of Koran (Mabani-yi Tafsir-i Quran)*, Qom: Qom University Publications. [in Farsi]
- Muballighi Abadani, Abdullah. 1994. *A History of World Religions and Denominations (Tarikh-i Adyan va Mazahib-i Jahan)*. Tehran: Mantiq Publications. [in Farsi]
- Mutahhari, Murtiza. 2003. *The Notes of Professor Mutahhari (Yaddasht-ha-yi Ustad Mutahhari)*. Tehran: Sadra Publications. [in Farsi]

- Navvabi Qamsari, Maryam al-Sadat. 2014. "A Comparative Study of the Beliefs and Ceremonies of The Essenes and Mandaeans (Isini-ha va Manda'ayan: Muqayisi-yi Bavar-ha va Ayin-ha)." *Adyan va Irfan (Religions & Mysticism)*, no. 2: 333-361. [in Farsi]
- Noss, John, B. 2013. *Man's Religions*. Translated by Ali Asghar Hikmat. Tehran: Ilmi Farhangi Publications. [in Farsi]
- O'Grady, Joan. 2005. *Early Christian Heresies*. Translated by Abdurrahim Ardistani. Qom: Taha Publications. [in Farsi]
- Qaza'i, Amin. 2015. *Letters for The Prophet Muhammad; A Research into The Origins of Koran*. Sweden: Iran Azad Publications. [in Farsi]
- Sasi Salim, al-Haj. 2002. *The Critique of Orientalist Speech (Naqd al-Khitab al-Istishraqi)*. Beirut: Dar al-Madar Islami. [in Arabic]
- Sulaimani Ardistani, Abdurrahim. 1999. "An Introduction to the Knowledge of the Bible (daramad-i bar Shinakht-i Kitab-i Muqaddas)." In *Haft Asiman (Seven Heavens)*, no. 2: 144-162. [in Farsi]
- Talibi, Hassan. 2004. "A Comparative Study of Salvation from Islamic and Christian Points of View (Nijatshinasi az Didgah-i Masihiyat va Islam)." In: *Pazhuhishnami Hikmat va Phalsaphiyi Islami (The Journal for Islamic Wisdom and Philosophy)*, no. 10 and 11: 107-128. [in Farsi]
- Taqi al-Din Abu Bakr, ibn Hujja al-Hamawi. 2004. *Khazana al-Adab wa-Ghaya al-Arab*, researched by Asayim Shaqiw Beirut: Dar al-Bihar. [in Arabic]
- The Bible*. 2017. Translated by Fazilkhan Hamidani. Tehran: Asatir Publications. [in Farsi]